

خیزش انقلابی ایران «ضد ملی گرایی، ضد مذهب»

مظفر محمدی

در نزدیک به نیم قرن حاکمیت مذهبی در ایران با تصرف تمام داراییهای جامعه و ارباب و کشتار و سرکوب، آب خوشی از گلوی هیچ انسان شریفی از زن و مرد و کودک، پایین نرفته است. آپارتاید جنسی و اسارت نصف انسان های جامعه به تنهایی کافی است تا چهره ی کریمه، منفور و ضد انسانی مذهب از پرده ی ریا و دروغ بیرون بیفتد. مدافعان بی مخ مذهب، قرآن را به شهادت می گیرند که گویا تبعیض جنسی و حجاب اجباری را تایید نکرده است. یا با عبارت مسخره و فریبنده «لاکراه فی الدین»، می خواهند بگویند که اسلام دین اجبار نیست. اما ماهیت مذهب وقتی عیان است که حاکمیت دین برقرار می شود. آن وقت است که همه ی پرده های فری ب و تحمیق کنار رفته و چهره ی پلید دین به شکل ترسناک و باور نکردنی عریان می شود. حاکمیت دین در دوران محمد و خلفای پس از او از جنایات دوره چنگیز و مغول در ایران و کشورهای منطقه، دهشتناک تر و جنایتکارانه تر بود. ... صفحه ۳



طوفانی عظیم و تاکتیک های مرده حاکمیت!

خالد حاج محمدی

مردم آزادیخواه در ایران، جمهوری اسلامی را نمیخواهند! طبقه کارگر، زنان، جوانان معلم و بازنشسته و پرستار، دانشجوی و نوجوانان، اقشار محروم جامعه، به هزار زبان و علنا در مقابل حاکمت اعلام کرده اند که این حکومت باید برود. بخش اعظم جامعه، بخشی که رفاه و آزادی و عدالت و سعادت مردم را میخواهد در طی بیش از چهار دهه جدال و مبارزه خود برای ابتدایی ترین حقوق انسانی، از آزادی بیان و تشکل تا آزادی پوشش و تجمع، تا دستمزدی مناسب و تامین زندگی انسانی، تا خواست تحصیل و طب رایگان، حقوق کودک و رسیدگی به محیط زیست و.. به این نتیجه رسیده است که تامین این حداقل ها در گرو رفتن این حکومت است. امروز همه جا در کوچه و خیابان، در محلات و میادین شهرها، در مراکز کارگری، در دانشگاه و صف زنان، مرگ بر جمهوری اسلامی در کنار خواست رفاه و آزادی زن تا آزادی و برابری، سر لوحه اصلی این اعتراضات به وسعت ایران است. جمهوری اسلامی درست زمانی که فشار جنبش اعتراضی، پایه های حاکمیت را به لرزه در آورده و کل ارتجاع از حاکم تا اپوزیسیون بورژوازی را ترسانده است، در تلاشی مذبحخانه و فریبکارانه برای برگرداندن عقربه های ساعت به عقب است. ... صفحه ۴

پیام جنبش ما! اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)
hekmatist.com

حکمتیست

هفتگی ۴۳۳

۱۰ نوامبر ۲۰۲۲ - ۱۹ آبان ۱۴۰۱

دلنگ های اصلاح طلب!

فواد عبداللهی

بیانیه «جبهه اصلاحات ایران» در خصوص اوضاع سیاسی، بعد از پنجاه و چند روز از انقلاب زنانه مردم ایران منتشر شد.

نزدیک به دو ماه است که مردم آزادیخواه ایران، زن و مرد در میادین تمام شهرها و محلات ایران، در مراکز کار و تحصیل با اتحاد و همبستگی خود، نان حاکمیت و نیروهای سرکوبگر آن را آجر کرده اند، آن وقت در این میان اصلاح طلبان از زباله دانی تاریخ سر بیرون می کشند و از مردم انقلابی می خواهند که «از خشونت پرهیز کنند و برای رسیدن به اهداف شان از ابزارهای ناروا استفاده نکنند».

صدها کشته و هزاران معترض توسط جانپان اسلامی بی نام و نشان و سر به نیست شده اند، آن وقت آقایان «مصلح» می فرمایند: «خشونت پرهیزی برای تمامی طرف های بحران ضروری است!»

مردم انتخاب خودشان را کرده اند و اعلام کرده اند که جمهوری اسلامی را دفع کرده اند، آن وقت آقایان دم از «تعامل و قانون و فضای آرام گفتگو با حاکمیت» می زنند. هیچ مکانی در آن جامعه باقی نمانده است که مهر رهایی زن، مهر خلاصی از دست مذهب و اسلام زدایی نخورده باشد، هیچ جایی در آن مملکت سراغ نداریم که مردمانش نبرد نهایی علیه این نظام را تدارک نپینند. همه جا صحبت از آزادی و برابری است؛ همه با هر نیرو و امکانی که در دست دارند، با تکیه بر اتحاد در کنار رهبران محلی و سراسری خود به میدان آمده اند. دانشگاه ها و مدارس مهر کمونیسم و برابری طلبی خورده است. محلات کردستان توسط جوانان انقلابی به کنترل خود درآمده است. زنان برابری طلب در همه شهرها پیشقراول اعتراضات و اعتصابات هستند. کار به جایی رسیده است که آوازه این انقلاب اجتماعی زنانه به قلب پایتخت های اروپایی هم کشیده است. امروز یکی از مهمترین کانون های که در هر مجمع کارگری و مترقی در میان مردم جوامع غربی مورد بحث است، انقلاب سوم ایران است. تحولی که بلاواسطه تاریخ دو قرن اخیر از انقلاب کبیر فرانسه تا امروز را به خود وصل می کند. آن وقت در این وسط، ناله های از جبهه اصلاحات از قعر چاه خاضعانانه در کنار حاکمیت به گوش می رسد که: «به سهم خود پیشنهاداتی عملی و اجرایی دارد که چنانچه اراده و تمایلی در حاکمیت برای شنیدن و به کار بستن مشاهده شود، آمادگی ارائه و بحث، گفتگو و تبادل نظر درخصوص آن را خواهد داشت».

جنبش اصلاح این نظام سالهاست که مرده است و جنازه آن را حتی هیچ کس در همین «جبهه اصلاحات» حاضر نیست به دوش بکشد. این را از رئیس سابق دولت اصلاحات، جناب خامنه ای، پرسید. ... صفحه ۲

آزادی برابری حکومت کارگری

پیام جنبش ما!

اعدام های بیشتر فکر می کند. به انتقام های بیشتر فکر می کند. اعدام شنیع ترین نوع قتل عمد است و این فقط کار ترسوها است که اسیران تنها و در بند و با دستبند و پابند را بکشد. این یک انتقام جویی زبوانه و از سر استیصال است.

اما دیگر دیر شده است. نظام تبهکار اسلامی سرمایه باید بپذیرد که از این به بعد در مقابل هر ضربه که می زند، صد ضربه می خورد. پیام خیزش انقلابی این است: در برابر هر گلوله ای که میزنید و هر شکنجه ای که می کنید، در صدها نقطه ایران از خیابان و کارخانه و مدرسه و دانشگاه، شعار مرگ بر دیکتاتور، حتی از زبان کودکانی که در کوچه ها بازی می کنند، تیری است بر قلب سپاه پر از کینه ی شما.

تا قیام مسلحانه فاصله ای نیست. تا آن روز سلاح ما زنگ کارخانه ها است که برای اعتصاب به صدا در می آیند و مشت های گره کرده و سنگ های فشرده در مشت و فریاد آزادی از حلقوم هزاران زن و مرد و دختر و پسر انقلابی. خیزش انقلابی ما اشکال گوناگون اعتصابات کارگری، اعتصابات فرهنگیان، اعتصاب عمومی، اعتراضات دانشجویی، دانش آموزان، اعتراضات خیابانی توده های مردم، کنترل شبانه محلات، شعارنویسی های گسترده، شعارهای شبانه در پشت بام ها، روشن کردن آتش در خیابان ها، بستن راه های ورود قاتلان، بستن باریکادهای خیابانی و... است.

جنبش ما تازه دوران تهرین و تجربه را می گذارند. حلقه های پراکنده ی نیروی خیزش توده ای به هم می پیوندند، سازمان می یابند و طبقه کارگر این غول ویرانگر سرمایه و دین به میدان می آید. سازماندهندگان در دل جنبش ما از کارخانه و محله و شهر و خیابان و مدرسه، سازماندهندگان و رهبران انقلابی و صاحب نفوذ و اتوریته، عروج می کنند و در راس و پیشاپیش مارش خیابانی هزاران و ده ها هزار نفری قرار می گیرند.

قاتلان نظامی و قضایی و دولتی و مجلسی می گویند هنوز کم کشته اند و هنوز تمام نیرویشان را به میدان نکشاده اند، این یک خودفریبی و دروغ بشرمانه است. قضیه درست برعکس است. این جنبش انقلابی ما است که همه نیروهایش و حتی بیشتر از نصف نیرویش را به میدان نیاورده است. و این اتفاقی است که می افتد و ما تلاش می کنیم هر چه زودتر بیفتد تا جنگ ما کم درد و کم دردمر و با هزینه ی کم تر به پیروزی برسد. وقتی کل نیروی ما به میدان آمد، دیگر تمام نیروی نظامی خودی از سپاه و ارتش و پلیس مخفی و نیروی اجاره ای از حشد شعبی و حزب الله و فاطمیون و دیگر مزدوران، حتی یک روز دوام نمی آورند.

قیام ما نزدیک است. انقلابیون جوان و کارگران و زحمتکشان و روشنفکران انقلابی تنها به فکر اعتراض امروز و فردا نیستند. در تدارک عظیم تر و وسیع تر یک خیزش توده ای تر و میلیونی اند. جنبش ما به ظرفیت ضد انقلابی و جرایم قتل و کشتار و ترور شما واقف است. اعدام های شما، ترورهایتان در خیابان و زندان ها و تلاش های مذبوحانه و رسوای سناریو سازی تان، دیگر کسی را نمی ترساند. این شماست که وحشت کردید و از فرط ترسستان شبانه روز به اطراف خود شلیک می کنید. ما به ترس و استیصال تان واقفیم.

پیام جنبش انقلابی ما روشن است. شما باید بروید. این کلام آخر است.

حزب حکمتیست (خط رسمی)

۱۸ آبان ۱۴۰۱ - ۹ نوامبر ۲۰۲۲

جمهوری اسلام دو نفر زندانی اهل زاهدان به اسامی راشد بلوچ و اسحاق آسکانی را اعدام کرد. مدت ها است برای مردم ایران دیگر این سوال مسخره به نظر می آید که پرسیده شود به چه جرمی؟ امروز برای جمهوری اسلامی همه مردم زحمتکش و اقشار محروم جامعه دشمن اند. چرا که بیش از چهاردهه است در زیر خط فقر و خط فقر مطلق و گرسنگی و بیحقوقی و تحقیر و اهانت و تبعیض زندگی می کنند و در جبهه مقابل رژیم قرار دارند که جامعه را به فلاکت و میدان نسل کشی و شکنجه و اعدام و نابودی کشانده است. دیروز نظام پلیس و تبهکار دو دشمن خود را کشت. اعدام کردید، دیگر چه؟

سناریوی بعدی رژیم چیست؟ چیزی مانده امتحان کنند؟ ۱۵۰۰ کشته تنها در دو روز در سال ۹۸، قتل عام زاهدان با بیش از ۱۰۰ کشته و صدها زخمی، قتل عام خاش با بیش از ۲۰ کشته و ده ها زخمی. کشتار در کردستان، حمله به دانشگاه ها و کشتن و زخمی کردن و به اسارت گرفتن هزاران دانشجوی، بازداشت و به اسارت کشاندن ده ها هزار مردم معترض شامل کودکان، تکرار سناریوهای رسوا و بی شرمی سرسام آوری که، «معتزین و از جمله کودکان در کشورهای مختلف آموزش دیده اند»، تلاش برای کشاندن مردم کردستان و بلوچستان به جنگ زودرس مسلحانه و ادعای رسوای تجزیه طلبی در این مناطق، تهدیدات سران رژیم و جنگ روانی از جمله، در جنگ علیه مردم، «شیرینی پخش نمی کنید!» و «می توانستیم همه ی معترضان را با سلاح جنگی بکشیم». گویا حداقل ۱۰۰ کشته در زاهدان ناگهان به کوما رفتند و یا از پشت بام افتادند... دیگر چه؟ فقط مانده موشک هایتان «اشتباهی» تهران و زاهدان و سنج و تبریز را بزنند. بر سر مردم بمب بریزید و بگویید کار دشمن بود که در ده کشور خارجی آموزش دیده اند!

دیکتاتور و جلااد ایران حسرت دهه ۶۰ را می خورد. چرا که در آن زمان مردم فریب خورده حیلہ گری و دروغ های خمینی، اهداف و نیات پلیس ضد انسانی و اعمال تبهکارانه ی سران جمهوری اسلامی را نمی شناختند و ندیده بودند. اما امروز ایران نه مردمش آن مردم و نه جمهوری اسلامی، رژیم یک تاز آن دوران است. جمهوری اسلامی امروز، سرانش درمانده و در فکر آینده تاریک خود اند و در سربالایی همدیگر را گاز می گیرند و کوس رسوایشان در سراسر جهان زده شده است.

جنگ تمام عیار امروز جمهوری اسلامی با مردم برای بقا است، اعتراض و اعتصاب و تظاهرات و خواست سرنوشتی هم برای اکثریت نود درصدی مردم ایران جنگ مرگ و زندگی است. مردمی که میلیونی در جنگ کشته شدند، میلیونی از فقر و گرسنگی و مریضی و اعتراض خیابانی و در زندان ها کشته شدند. چهل سال توهین به حرمت انسانی ده ها میلیون از زنان و دختران کم تر از کشته شدن آنها نیست. کشته های بالای ۳۰۰ نفری با گلوله ی جنگی، نزدیک به دو ماه اعتراض و خیزش، در مقابل زخم های عمیق گذشته و آینده ی آغشته به فلاکت و خون در جمهوری اسلامی هنوز تاوان سنگینی است، با این تفاوت که جهانیان میدانند که جانباختگان امروز ما چرا کشته شدند و برای چه هدفی کشته شدند.

کارگر و زحمتکش و زن و مرد و جوان و حتی کودک در ایران، جمهوری اسلامی را نمی خواهند و برای آزادی و برابری می جنگند. جمهوری اسلامی هنوز به

دلالتک های اصلاح طلب...

دوران فرجه دادن به حاکمیت و سواری گرفتن از مردم ایران مدت ها است به سر رسیده است. با نسلی طرفید که با دست خالی هم اکنون بدون اسلحه، قدرت را در مقابل نظام تا دندان مسلح اسلامی، دو-تکه و دو-فاکتو کرده است. با نسلی طرفید که حجاب ها را می سوزاند و عمامه ها را می پرازد؛ روینای قدرت سیاسی خود را از همین حالا به رخ جمهوری اسلامی می کشد و هشدار خود را داده است که اسلام زدایی در ایران به زودی آغاز می شود. با انقلاب عظیم زنانه ای طرفید که دیگر برای آزادی و برابری تن به هیچ پیش شرطی نمی دهد. این نسل تا هم اکنون و با گذشت ۵۰ روز از انقلاب سوم خود، مزه رهایی و برابری را در خیابان ها، در محلات، دانشگاه ها و

اماکن عمومی تجربه کرده است. متحدین خود را در تمام شهرهای ایران و در تمام کشورهای اروپایی در میان مردم مترقی و پیشرو یافته است؛ تاریخ خود را به تاریخ انقلاب کبیر فرانسه، کمون پاریس و انقلاب اکتبر روسیه پیوند زده است. دوران سرنوشت سازی است. هیچ تعاملی با این نسل جز زمین گذاشتن سلاح سرکوب قابل تصور نیست. هیچ اصلاحی نزد این نسل جز جارو کردن بساط این نظام با همه جوارح و جناح های آن قابل تصور نیست. اصلاح طلبان در آخرین خندق خود، سرنوشت بهتری از حاکمیت در نزد مردم پیدا نمی کنند. به هر میزان حاکمیت اسلامی توسط مردم آزادی خواه به لبه پرتگاه نزدیک می شود به همان میزان هم جگرگوشه گان نظام پشت به دیوار در مقابل انقلاب سوم ایران مجبور به تسلیم اند؛ سرنوشت غم انگیزی است! ترس اصلاح طلبان بجاست، این نظام راهی ندارد.

حاکمیت دین در جهان معاصر در خاورمیانه ی طالبان، القاعده، داعش و جمهوری اسلامی، بار دیگر یادآور دوران سیاه عملکرد ضد انسانی دین است. اسلام دین کشتار، غارت، دروغ، فساد، دزدی، ضد زن، ضد انسان و ضد کارگر است. اسلام و شرع آن علاوه بر تبعیض جنسی، اسارت و بردگی نصفی از انسان های جامعه، شکنجه و بریدن دست و اعدام و قتل عام جمعی، کارگرانی که فقط حقوق معوقه خواستند را شلاق زد. دین چه تاریخا و چه امروز ابزار اقلیت حاکم علیه اکثریت محکومان و محرومان است. دین و اسلام در حالیکه ابزار تحقیر و توهین و تحمیق و تبعیض علیه فقرا و محرومان است، اما در خدمت و در کنار دزدان و مفسدین و جنایتکاران و اختلاسگران حاکم و اعوان و انصارشان در دولت و نهادهای سیاسی و اقتصادی و نظامی جمهوری اسلامی است. حاکمان دین و شرع برای برائت فاسدان و دزدان و جنایتکاران به اندازه کافی آیات قرآنی و دلایل شرعی دارند.

اگر اسلام به عهدش وفادار بود که دست دزدان بریده شود، الان می بایست کل عناصر دولتی و نظامی و مجلسی و قضایی جمهوری اسلامی بدون دست و پا می بودند، چرا که همه شان در دزدی و غارت اموال و داراییهای جامعه شریک اند. اگر جمهوری اسلامی به قوانین دینی و شرع و قرآنش وفادار بود، خامنه ای و اعوان و انصارش که مافیای دزدی و جنایتند، می بایست فاقد چهار دست و پا باشند. همه ی این عملکردهای دین چه تاریخا و چه امروز در خاورمیانه و جمهوری اسلامی کفایت می کند تا به بشر بگوید که اسلام تنها ابزار تحمیق و فریب اکثریت توده های محروم از طرف اقلیت حاکم پست و مفتخور سرمایه است و لاغیر!

بشریت در جهان، حداقل در یک قرن اخیر، ادیان گوناگون را به درجه زیادی مهار کرده و لگام زده است اما اسلام در خاور میانه کماکان بر جسم و جان و روح و مال جامعه چمبره زده است.

کسانی که مذهب و اسلام را عقیده و باور انسان ها می پندارند که گویا باید به آن احترام گذاشت، تبهکار، فریبکار و دروغگویانی هستند که ابزار دین را برای کسب قدرت بر فراز سر مردم «با ایمان» و تصرف داراییهای جامعه بکار میگیرند. رضا پهلوی می گوید: اگر «خیزش مردم ایران ضد مذهب است، پس بهتر است جمهوری اسلامی سرکار بماند». او پسر خلف پدری است که دین یکی از پایه های حکومتش بود، حج می رفت، تاسوعا و عاشورا برپا می کرد و آیت الله ها و امام جمعه ها و ملاحی تا کوره دهات ایران را بعنوان حصار امن دور دیکتاتوری سرمایه داری اش پیچیده بود.

ترس رضا پهلوی و همه ی فریبکاران دین دار بورژوازی اپوزیسیون، از این که مذهب زیر ضرب خیزش انقلابی مردم ایران است، واقعی است. چرا که خیزش انقلابی ایران ضد مذهب است و اپوزیسیون بورژوازی مدافع دین در جامعه ایران بدون پشتوانه ی مذهب، شانسی برای سوار شدن بر موج «باورهای دینی» مردم را از دست داده اند.

انقلاب سوم ایران مذهب را از جامعه جارو می کند. عقاید و باورهای مذهبی هیچ نقشی در زندگی و خوشبختی انسان و اداره ی جامعه ی آزاد و برابر نخواهد داشت. این رنسانس دیگری در خاورمیانه با محوریت انقلاب آزادخواهانه و برابری طلبانه ی ایران است. خاورمیانه ای که حیلۀ گری بورژوازی با پوشیدن لباس دین و چرخیدن دورکعبه را رسوا می کند. هر انسان آزاده ای که رویای دنیای بهتر، آزاد و برابر و شاد و مرفه داشته باشد، برای این حیلۀ گران تره خرد نمی کند. زنان و مردان و جوانان در جنبش انقلابی، بهشت اجباری را به حکام دین دار بخشیده و زندگی و خوشبختی را در دنیای واقعی امروز انتخاب کرده اند. بعلاوه اپوزیسیون بورژوازی، از یک طرف از همبستگی سراسری مردم در خیزش انقلابی علیه جمهوری اسلامی و حاشیه رفتن ملیت و نژاد و زبان و غیره حرف می زنند از طرف دیگر جنبش انقلابی را «جنبش ملی» ایران می نامند! این خیل ریاکار، همبستگی سراسری را می ستایند ولی جنبش را ملی- ایرانی و شیعی «بر اساس دین محوری خود، می نامند. این یک شعبده بازی رسوا و یک حیلۀ گری آشنا است.

اما خیر بدتر برای امثال رضا پهلوی و اعوان و انصارش و دیگر جناح های اپوزیسیون بورژوازی این است که علاوه بر اینکه جنبش انقلابی ایران ضد مذهب است، این جنبش و خیزش، ضد ملی گرایی و ناسیونالیسم هم هست. جنبش انقلابی جنبشی است با محور انسان فارغ از ملیت، جنسیت، مذهب، زبان و فرهنگی که انسان را به شعبه های مختلف تقسیم کند. جنبش انقلابی ایران جنبشی برابری طلبانه است و به این اعتبار جنبشی آزادخواه و سوسیالیستی است. این ضربه دیگری بر پیکر یکی دیگر از محورهای حاکمیت بورژوازی است. سالهای سال است بورژوازی ایران چه در حاکمیت و چه در اپوزیسیون، با تقدیس «تمامیت ارضی» و شونینسم و شیعی گری حاکم، ستم مضاعفی را بر بخشهایی از ساکنان ایران از جمله در بلوچستان، کردستان، خوزستان... تحمیل کرده اند. مردمانی که در بلوچستان بر معادن طلا و در

خوزستان روی چاه های نفت در اوج فقر و فلاکت و سرکوب مضاعف زندگی می کنند. در بلوچستان نه حاکمیت پلیس جمهوری اسلامی بلکه حاکمیت نظامیان برقرار است. مردمی که کودکانشان شناسنامه و مدرسه ندارند، از راه سوختبری امرار معاش می کنند، در این راه کشته می شوند و در سایبان کپرهای و فقر مطلق و گرسنگی محض زندگی می کنند.

جمهوری اسلامی «اسلام شیعی و شونینسم ایرانی» را در خدمت سرکوب جنبش آزادیخواهی مردم کردستان بکار گرفت. خمینی با کافر، سنی و تجزیه طلب خواندن مردم کردستان، با لشکر کشی عظیم و حمله از زمین و هوا، شهرهای کردستان را توپ باران و بمباران کردند. جنگی طولانی و سرکوب وحشیانه ای که تا حالا هم ادامه دارد. کارگران و زحمتکشان و مردم آگاه در سراسر ایران زخم های عمیق حاکمیت اسلام شیعی و ناسیونال- شونینسم ایرانی را بر تن دارد. جنبش انقلابی جاری ایران به همان اندازه که ضد مذهب و خرافات اسلامی است، ضد ناسیونالیسم با هر نام و لباسی چون ایرانی، بلوچ، کرد، ترک و غیره است. برای جمهوری اسلامی، ایران شیعی است و ملک بیت رهبری و مزدوران دولتی و نظامی اش. از نظر اپوزیسیون بورژوازی هم ایران، فارس و شیعی و ملک آبا و اجدادی آن ها از دوران کورش کبیر تا به امروز است. اما ایران نه سرزمین ادیان ضد بشر و نه وطن شاهان و اقلیت حکام پلیس بورژوازی مفتخور مالک داراییهای جامعه است. جنبش انقلابی ایران حکم سرنگونی جمهوری اسلامی بر پایه مذهب و اسلام را داده است و به این اعتبار جنبشی ضد مذهب و خرافات و تبعیض و ستم و تحقیر است. همچنین رویای اپوزیسیون بورژوازی را برای موج سواری و ادعای جانشینی با ملی نامیدن جنبش و تقدیس مذهب بر باد داده است. خیزش توده ای و انقلاب آتی اکثریت زحمتکشان زن و مرد و جوان علیه اقلیت بورژوا چه در لباس مذهب جمهوری اسلامی و چه در قالب ملی- اسلامی اپوزیسیون بورژوازی است. جنبش انقلابی جاری ایران، خرافات ملی و دینی را به حاشیه رانده و بر سکوی آزادی و برابری ایستاده است. معیار جنبش، انسان بودن و انسانیت است، فارغ از هر دین و مذهب و ملیت و قوم و فارغ از تقسیم انسان به زن و مرد است. ایران آزاد، کشوری نیست که دور خود را حصار از مرز «ملی» و «فرهنگ دینی» کشیده است. با پیروزی انقلاب سوم، ایران آزاد و برابر، الگوی بشریت بدون مرز و بدون خرافات و سمبل آزادی و برابری و خوشبختی و سعادت بشر و الگویی برای مردم خاورمیانه که با مرزهای به نام «ملی» و تقسیم بندی های دینی، تنیده و محاصره شده و به شدت سرکوب و غارت و در فقر نگه داشته شده اند. ایران آزاد و برابر، با به حاشیه راندن ملیت و پرچم و مرزهای ملی و خرافات دینی، برای هیچ انسانی در روی این کره خاکی مرز «ورود ممنوع» نخواهد داشت. کارگران و زحمتکشان و اکثریت محروم و ستمدیده، آزادی و برابری و آرمان حاکمیت اکثریت کارگران و زحمتکشان با اعمال اراده مستقیم و از پایین و برپایی کنگره سراسری شوراهای مردمی را در برنامه و دستور خود دارد.

برابری

**برابری، یعنی نه فقط برابری حقوقی و قانونی،
نه فقط برابری شهروندان جامعه از هر قوم و نژاد
و جنسیت، بلکه برابر در امکانات مادی در دسترس
به ابزاری های ارتقا و شکفتن استعداد های فردی و
اجتماعی، برابری در تولید و در زیست، برابری در
اعمال اراده در سرنوشت اقتصادی، سیاسی و اداری
جامعه خود، برابری در بهره مندی از محصولات
مادی و معنوی کار و تلاش اجتماعی و برابری در
مبارزه برای فائق آمدن بر هر عقب ماندگی و کمبود،
برابری که تنها با در هم کوبیدن مالکیت خصوصی
بورژوازی بر وسایل تولید و مبادله، از میان بردن
بردگی مزدی و قرار دادن وسایل تولید و ثروت
جامعه در مالکیت جمعی و اشتراکی کلیه انسانهای
سهیم در فعالیت اجتماعی حاصل میشود.**

این کار را قبلتر حکومت پهلوی دیرهنگام کرد و به جایی نرسید و جمهوری اسلامی هم سرنوشت بهتری در انتظارش نیست. حکومت ایران هر روز به تاکتیک و ترفندی متوسل میشود، که نه تنها زمان را به عقب بر نمیگرداند، بعلاوه توده وسیعتری از مردم ایران را به این نتیجه میرساند که جز سرنگونی این حاکمیت راهی نیست. تاکتیکهای این مدت حکومت، تهدیدها و ترفندها، توطئه ها و نقشه های شوم و فریبکارانه آنها یکی پس از دیگری مرده متولد میشوند.

در این مدت، مسئولین و مقامات حکومتی یکی پس از دیگری و هر کس به نامی و با زبانی به میدان آمد، عده ای رسماً و عملاً تهدید کردند، عده ای تلاش کردند منشا اعتراضات را «عنصری اغتشاشگر سر به دولتها» نام بگذارند، عده ای هم وعدهای بهبود و مقابله با فساد مالی و اداری را بانگ زدند و عده ای هم بدون نگاه به وقایع روزانه و اعتراضی در جامعه، با اعلام پایان «فتنه» و محاکمه روسای این اعتراضات، سعی کردند صفوف روحیه باخته حکومتیان و نیروهای خود را متحد کنند.

بر اساس رسانه های حکومتی ۲۲۷ نفر از نمایندگان مجلس خواهان حکم قصاص علیه معتضین شده اند!! حکم قصاصی که در چهار دهه حاکمیت جمهوری اسلامی جان هزاران انسان حق طلب و آزاده را گرفته است. نمایندگان فوق از سر استمال و درماندگی دارند شرارت و جنایت پیشگی خود در آخرین روزهای صدارت علیه مردم ایران را به نمایش میگذارند. این توحش و بربریت، سنگسار و اسید پاشی، ترور و آدم ربایی و احکام قصاص، اگر جمهوری اسلامی را نجات میداد، امروز این حاکمیت به این روز نمی افتاد. این افاضات نسنجیده و جنون آمیز، تنها حقانیت این اعتراضات و اینکه قدم اول برای هر نوع رفاه و بهبودی، سرنگونی است را تأیید میکند. نمایندگان مجلس جمهوری اسلامی و همه مقامات لشکری و کشوری آن باید بدانند که اینگونه ادعاها تنها پرونده جنایت و توحش آنها را سنگین تر میکند و فردا در کوچه و خیابان و محله نمیتوانند از ترس مردم آفتابی شوند.

همزمان دولت و رئیس و مقامات مختلف آن رسیدگی به خواست بهبود اقتصادی را با افزایش درصد بسیار ناچیزی از حقوق اقلیت کوچکی از کارکنان دولت، نیروی انتظامی، بخشی از بازنشستگان و کارمندان را در بوق کرده اند که گویا با این اقدام جامعه ساکت خواهد شد! و همزمان وعده ایجاد شغل و راه اندازی اقتصاد و مراکز تولیدی و خدماتی در مناطق محرومتر و قول اختصاص بودجه به این امر را اعلام کرده اند. وعده های حکومت و افزایش ناچیز در حقوق و مزایای مورد ادعای آنها حتی اگر عملی شود، علاوه بر اینکه تنها اقلیت بسیار ناچیزی از مزدبگیران این جامعه را شامل میشود بعلاوه این افزایش در مقابل تورم سرسام آور در جامعه که حکومت با چاپ بی رویه اسکناس جوابش را میدهد، حتی یک وعده نان خشک را هم به سفره افشار پایین جامعه اضافه نمیکند. نه تنها این بعلاوه وضع درآمد طبقه کارگر و اکثریت جامعه هر روز وخیمتر میشود و در مقابل، فساد و دزدی و افزایش سرمایه اقلیتی بورژوا و سران و مقامات حکومتی هر روز بیش و بیشتر میشود، چیزی که مردم را به قیام علیه بالا کشانده است. وضع حاکمیت و اقتصاد آن ورشکسته تر از آن است که با این وعده ها و این اقدامات حقیرانه بتواند معضلات عظیم فاصله طبقاتی، فقر و گرسنگی، بیکاری و گرانی را، که دامن دهها میلیون انسان را گرفته، جوابگو باشد. بعلاوه مردم ایران نیک میدانند که همین را هم فشار وسیع پایین جامعه به آنها تحمیل کرده و این عقب نشینی ها را هر چند ناچیز به عنوان دستاورد خود نگاه میکنند.

در این مدت و زیر فشار پایین و با هدف کنترل اعتراضات بارها اعلام شد که حاضرند صدای معتضین را بشنود، حاضرند به دانشگاهها بروند و صحبت کنند و میکروفون در اختیار هر مخالفی بگذارند و... این وعده هم پوچتر از آن بود که کسی برایش تره خرد کند. حکومتی که در کنار این ادعاها با تهدیدات روسای قوه قضائیه، فرماندهان سپاه، نمایندگان مجلس و نیروهای اطلاعاتی و بازپرسان و بازجوهایش، هر روز در گوشه ای جان کسی را میگیرند و خیابانها و محل کار و زندگی مردم را به پادگان تبدیل کرده، حاکمیتی که دهها هزار انسان را به جرم اعتراض در زندانها محبوس کرده است، این ادعاهایش بیش از اینکه گشایشی باشد، به عنوان حقه بازی ترجمه میشود. دستگاه حکومتی به بهانه های مختلف و با پرونده های از قبل آماده روزی دهها نفر را می رباید، نمایندگان و سخنگویان و دلسوزان افشار مختلف مردم محروم، کسانی که مورد اعتماد آنها هستند را زندانی میکنند، سعی میکنند جامعه را به بهانه اعتراضات از انقلابیون و مدافعان آزادی و برابری پاک کنند، برای مردم معترض چنین حکومتی لیاقتی جز سرنگونی ندارد.

طبقه کارگر ایران، نسل جوان از دانشگاه و مدارس تا محلات شهرها، زنان و اقشار محروم جامعه، برای سرنگونی جمهوری اسلامی به میدان آمده اند. اقدامات حکومت، تهدید و وعده و توطئه های تفرقه افکنانه او در خوزستان و بلوچستان و کردستان، برای ایجاد نفاق مذهبی و قومی و... اعدام و ترور و حمله به تجمعات مردم به نام داعش و گروههای آدم کش و... همگی در دوره های مختلف آزمایش خود را پس داده اند. مردم آزادیخواه با هوشیاری و چشمان باز به این اقدامات نگاه میکنند، صاحبان و مهندسیین آنها را میشناسند و دست حکومت را رو کرده اند. مردمی که برای آزادی زن، برای برابری و جامعه ای آزاد و انسانی و برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی متحد و سراسری به میدان آمده اند، با این اقدامات راه خود را گم نخواهند کرد و فریب حکومت را نخواهند خورد.

طبقه کارگر و مردم آزادیخواه در این جدال به نیروی خود متکی اند. میدانند در این جهان جز طبقه کارگر و مردم متمدن و آزادیخواه جهان در میان حکومتها حامی ندارند و نمیخواهند هم داشته باشند. این مردم روی حمایت مردم مترقی در دنیا، روی حمایت سازمانها و نهادهای مدافع حق انسان، طبقه کارگر و جریانات چپ و آزادیخواه حساب میکنند و تا کنون هم به آنها متکی بوده اند. مردم آزادیخواه در ایران نقش مخرب دولتهای مختلف بورژوازی از شرق تا غرب و از شما تا جنوب از آمریکا و اسرائیل و عربستان تا بقیه را به نام «دفاع از مردم» و در خدمت منافع خود و دفاع از انواع دولتها و نیروهای ارتجاعی را دیده اند. آنها تجربه عراق، سوریه، لیبی، افغانستان و بسیاری از کشورهای آفریقایی و...، و به خاک سیاه کشیدن زندگی صدها میلیون انسان را بدست همین دولتها در زندگی خود دیده اند. مردم ایران نقشه شوم جریانات راست را هم که به همین دولتها متکی اند میشناسند و تا هم اکنون هم دست رد به سینه آنها زده اند. این دولتها از جنس خود جمهوری اسلامی اند و ترفندهای جمهوری اسلامی علیه آزادیخواهان در ایران و منتسب کردن آنها به دولتهای آمریکا، انگلستان، اسرائیل و عربستان و... که همگی در دشمنی با طبقه کارگر و مردم محروم دست کمی از حاکمین بر ایران ندارند، پرونده سازی های شنیعی است که هزار بار حکومت ایران بکار برده است و هر بار بیش از گذشته بی ابرو شده است.

نسل جوان دختر و پسر آگاه در جامعه ایران، فعالین آگاه اعتراضات مردم ایران، فعالین و کمونیستها در میان طبقه کارگر، در دانشگاه و محلات شهرها و در میان اقشار مختلف و محروم جامعه، هوشیارانه برای خنثی کردن این توطئه ها و همه دسیسه و نقشه های شوم حاکمیت جهت شقه شقه کردن صف متحد مردم آزادیخواه، میکوشند. این فعالین برای متحد ماندن و به هم بافتن صف میلیونی کارگر و اقشار محروم در همه جا میکوشند. آنها به این امر واقفند که باید در همه جا در محل کار و زندگی، در دانشگاه و مدارس و ادارات و... نهادها و سازمانهای توده ای را به عنوان ظرف اتحاد محرومان جامعه ایجاد کنند. آنها آگاهند که این حقیقت که نیروی دهها میلیونی کارگر و افشار زحمتکش جامعه برای پیشروی و برای تأمین ملزومات سرنگونی جمهوری اسلامی و برای تضمین جامعه ای آزاد و مرفه، باید به اشکال مختلف سازمان پیدا کند و متحد شود. امروز و در دل جدال کنونی با حاکمیت در همه جا برای اشکال مختلف سازمانیابی مردم آزادیخواه و خصوصاً برای ایجاد نهاد و تشکلات کارگری و متحد کردن طبقه کارگر در سازمانهای خود میکوشند. این مهم از چشم جامعه از چشم کارگران و رهبران آگاه کارگری، از چشم ما کمونیستها و همه فعالین دلسوز جنبش زنان، جوانان و... پوشیده نیست. این دوره دوره سازمانیابی توده ای این نیروی عظیم است که اولین قدمهایش در این مسیر هم اکنون در حال برداشت است. این صف به این حقیقت آگاه است که آنچه امروز در میدان است هنوز بخش کوچکی از نیروی عظیم جنبش آزادیخواهانه مردم ایران است. به این آگاه است زمانی که طبقه کارگر ایران از همه مراکز صنعتی و خدماتی، حمل و نقل و... دست به زنجیره ای از اعتصابات بزند هیچ فریاد رسی جمهوری اسلامی را نجات نخواهد داد و برای این مهم میکوشیم. همه ما به این آگاهییم که سرنگونی شما تنها قدمی در مسیری است که در مقابل جنبش ما است. سرنگونی شما پیش شرط تحولات انقلابی بعدی برای تضمین حاکمیت مردم محروم بر سرنوشت خود در شوراهای مردمی است. این مهم سکوی پرشی برای طبقه کارگر و همه کمونیستها و انقلابیون جامعه برای تأمین ملزومات انقلاب کارگری است.

آزادی زن معیار آزادی جامعه است!



تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

دبیر کمیته رهبری: خالد حاج محمدی

khaled.hajmohamadi@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: آسو فتوحی

aso.fotuhi@gmail.com

دفتر کردستان حزب: سهند حسینی

sahand.sabet@gmail.com

مسئول تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتک

سر دبیر: فواد عبداللهی



صدای آزادی، صدای برابری

نیانا

پخش برنامه های نیانا از

کانال یک

برنامه های نیانا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال یک پخش میشود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat w1A
12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A
10721 افقی 22000

نیانا را در شبکه های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نیانا

radioneena.com

ساوند کلود

soundcloud.com/radio-neena

اینستاگرام

instagram.com/radioneena

تلگرام

https://t.me/RadioNeenna

فیسبوک

facebook.com/radioneena